



# خبرنامه

وضعیت وخیم کارگران اخراج شده در شهرهای کردستان

بنا به خبرهای منتشره، بی‌توجهی مسئولان نسبت به وضعیت واحدهای بحران زده صنعتی، باعث آوارگی کارگران اخراج شده این‌گونه واحدها شده است. هم‌اکنون، واحدهای صنعتی استان کردستان، از سومدیریت در رنج است و روز به روز در گرداب بحرانی ناخواسته فرو می‌رود.

۱۵۱-۱۵۲

شماره:

۲۹ فوریدین ماه ۱۳۸۲

www.komala.org

کومه له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایرن

## دیدار بین کومه‌له و اتحادیه انقلابیون کردستان

صفحه ۲

## در اعدام نیز گوی سبقت ربوده شد

صفحه ۳

## تیراندازی نیروهای سرکوبگر رژیم به مردم منطقه مریوان

صفحه ۴

## "ماو مارکسیسم"، عنوانی تهی از محتوا

صفحه ۷

## درگذشت یکی از فعالین دیرین کومه‌له

بنا به خبری که به دستمان رسیده است، روز شنبه گذشته، رفیق کریم نظری (معروف به عباس) بعد از سه سال مقاومت در برابر بیماری سرطان در شهر استکهلم سوئد در گذشته است.



کریم به مدت چند سال نیز در سازماندهی تشکیلات شهرها فعالیت چشمگیری داشت. وی سیمای محبوب و مورد اعتماد کارگران و زحمتکشان و همواره یار و یاور کومه‌له بود. رفیق کریم سه سال قبل به سرطان مبتلا گردید و با وجود مقابله بسیار و روحیه ... «۲»

یکی از فعالین دیرین کومه‌له بود که از همان اوان جوانی با کومه‌له ارتباط برقرار کرد و به مدت چند سال در شهر سنندج و سپس در تهران به فعالیت مخفی مشغول بود و بنا به پیشنهاد

## اعدام شش نفر از پیشمرگان حزب دمکرات

بنا به خبری که به ما رسیده است، شش نفر از پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران که در سال ۱۹۹۶ توسط یکی از آلت دستهای جمهوری اسلامی در کردستان عراق یعنی حزب جنبش اسلامی به رژیم مذهبی ایران تحویل داده شدند، علم گردیده‌اند. شش نفر مذکور عبارتند از: مظفر کاظمی، معروف بهرامی، یونس محمد پور، عدنان اسماعیلی، ارشد رضایی و محمد عزیز قادری که در روزهای اخیر خبر اعدام شدن آنها از جانب عوامل حکومتی به خانواده‌هایشان ابلاغ شده است. خبر رسیده حاکی است که تاریخ دقیق اعدام این پیشمرگان مشخص نیست و به خانواده آنها نیز گفته نشده است. مردم غیور شهر پاوه نیز	محمد پور، عدنان اسماعیلی، ارشد رضایی و محمد عزیز قادری که در روزهای اخیر خبر اعدام شدن آنها از جانب عوامل حکومتی به خانواده‌هایشان ابلاغ شده است. خبر رسیده حاکی است که تاریخ دقیق اعدام این پیشمرگان مشخص نیست و به خانواده آنها نیز گفته نشده است. مردم غیور شهر پاوه نیز	بنا به خبری که به ما رسیده است، شش نفر از پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران که در سال ۱۹۹۶ توسط یکی از آلت دستهای جمهوری اسلامی در کردستان عراق یعنی حزب جنبش اسلامی به رژیم مذهبی ایران تحویل داده شدند، علم گردیده‌اند. شش نفر مذکور عبارتند از: مظفر کاظمی، معروف بهرامی، یونس محمد پور، عدنان اسماعیلی، ارشد رضایی و محمد عزیز قادری که در روزهای اخیر خبر اعدام شدن آنها از جانب عوامل حکومتی به خانواده‌هایشان ابلاغ شده است. خبر رسیده حاکی است که تاریخ دقیق اعدام این پیشمرگان مشخص نیست و به خانواده آنها نیز گفته نشده است. مردم غیور شهر پاوه نیز
---	---	---

## اخراج ۲۰۰ کارگر دانشگاه علوم پزشکی همدان

به گزارش خبرگزاریها ۲۰۰ نفر از کارگران دانشگاه علوم پزشکی همدان با توجیه بروز مشکلات مالی برای این واحد آموزشی اخراج شدند. «چنگیز اصلانی»، دبیر اجرایی خانه کارگر استان همدان ضمن اعلام این خبر گفت: سال ۸۳	برای کارگران استان همدان با اخراج و بی‌کاری آغاز شد و از این‌روی، کارگران دانشگاه علوم پزشکی در این دانشگاه تجمع کرده‌اند. وی ادامه داد: اخراج این کارگران که از ۱۵ فوریدین شروع شده، تا این اواخر که به مز ۲۰۰	نفر رسیده، ادامه یافته است. تاکنون هیچ مسئولی پاسخ‌گوی اخراج کارگران فوق‌الذکر نبوده و یا حتی سخنی در اعتراض به اخراج این کارگران ایراز نکرده‌است؛ از این‌روی نمی‌توان امیدي به حصول نتیجه مطلوب برای این کارگران داشت.
---	---	---

## عمر ایلیخانزاده از جنبشی خودجوش تا یک جنبش اعتراضی منظم



جنبش اعتراضی مردم در سالهای اخیر و به ویژه در چند ماه گذشته ابعاد نوینی به خود گرفته است. بهمن و اسفند ماه سال گذشته تا روزهای اول سال جاری ما شاهد نمایشات بزرگ مردمی در شهرهای کردستان بودیم به طوری که همه را متقاعد نمود که تغییراتی جدی و مهم در جنبش مردمی کردستان شکل‌گیری نموده و ظرفیت مبارزه و اعتراض آشکار، دامنه وسیعی پیدا کرده است. ضمن دیدن این حقیقت باید تأکید نمود که جنبش ماههای اخیر و اعتراضات پیشین به طور عمده خصلتی خودجوش داشته و هر بار بهانه یا حادثه‌ای به عنوان یک حرقه بر خشم فروخته مردم عمل کرده است.

استعداد رودررویی وسیع مردم کردستان با نیروهای رژیم و تغییراتی که در اوضاع سیاسی ایران و کردستان به وجود آمده است، بررسی موقعیت کنونی و شناخت خصلت مرحله‌ای جنبش توده‌ای کردستان را به ضرورتی امروزی تبدیل نموده است تا در پرتو آن بتوانیم با اتکا به یک ارزیابی واقع‌بینانه، راههای پیشروی آتی را روشن کنیم.

شکی نیست مردم کردستان که سالهاست درگیر یک مبارزه سیاسی و مسلحانه برعلیه رژیم اسلامی هستند، همیشه در صدد فرصتی بوده‌اند تا باردیگر نیروی خود را برعلیه این دشمن هار تجدید سازمان دهند. در شرایط کنونی که انزوا، ضعف و بن‌بستهای جمهوری اسلامی برای همگان مشهود است، در حالیکه مردم کردستان دارای آلترناتیو سیاسیند و هنوز هم احزاب سیاسی مورد اعتمادند و نیز خواسته‌های معینی در این جنبش تثبیت شده به اضافه اینکه شرایط سیاسی منطقه‌ای و جهانی به زیان حاکمیت اسلامی و به نفع اعتراضات مردمی در ایران تغییر یافته است، طبیعی است که اوجگیری و رشد دوباره جنبش عمومی و ملی در کردستان امری ممکن و واقعیتی است که حتی خواب از ... «۲»

**ادامه از جنبشی خودجوش ...**

چشم سمران اسلامی نیز پرانده است. اما با وجود همه اینها جنبش اعتراضی توده‌ای کنونی در کردستان هنوز از یک جنبش سیاسی مداوم و پیوسته که هر گام و حرکت آن ادامه منطقی اعتراضات پیشین می‌باشد، فاصله دارد. خودجوش و پر پتانسیل بودن مشخصه این دوره است و بر همه ما محرز است که عبور از این مرحله و سازمانیابی اعتراضات مردمی شرط اولیه و اصلی پیشروهای آتی و تضمین کننده دستاوردهای تاکنونی است. از نظر ما توجه به نکات زیر برای عبور موفقیت‌آمیز به یک جنبش منظم سیاسی و هدفمند ضروری است:

۱\_ عمومیت یافتن شعارهای مشخص و معین که هم اهداف و خواستهای اصلی در این جنبش را نمایندگی کند و هم خواستهای فوری برای تسهیل امر پیشبرد جنبش توده‌ای و تأمین هدف اصلی را در دستور قرار دهد یکی از ضروریات یک جنبش منظم سیاسی است. برای مثال همانطوریکه در نشریه شورش تأکید شده است فدرالیسم دارد به شعار عمومی در رابطه با حل مسأله ملی تبدیل می‌شود و در تظاهراتهای اخیر شهرهای کردستان بر آن تأکید شده است. اما هنوز شعارهای "آزادی حزب و تشکل سیاسی"، "آزادی روزنامه و تشکلهای صنفی و اتحادیه‌ای" و "لغو اعدام و آزادی زندانیان سیاسی" و ... به شعارهای فراگیر و عمومی که بتوان در راستای آنها آکسیونهای معینی را سازمان داد، تبدیل نشده اند. پس ما نیاز داریم که در کنار شعار فدرالیسم این شعارها را نیز به خواست نمایشات توده‌ای تبدیل نمائیم و در راستای آن به بسیج نیرو بپردازیم و در خارج کردستان نیز پشتیبانی هرچه بیشتری برای آنها را جلب کنیم.

۲\_ در اعتراضات اخیر و علی‌رغم خودجوش بودن این اعتراضات، بدون شک فعالین سیاسی دارای نقش و جایگاه خاصی بوده و هستند، اما در اکثر موارد و در موقعیت کنونی آنان نیز همراه با توده‌ای بیشکل در صحنه وارد شده‌اند و چه بسا توانسته باشند آگاهانه و با نقشه بر روند جریان تأثیر گذارند و گذشته از این نقض آشکار، میتوان دید که در موارد زیادی حتی حرکات آتی و احساسات لحظه‌ای و به دور از یک برنامه معین، سیر جریان را در مسیری ناخواسته سوق داده است. در این حالت است که نقش و جایگاه فعالین و رهبران عملی برجسته می‌شود و متوجه می‌شویم که عناصر و فعالین معینی باید در این اعتراضات رویبایند و اعتماد مردم را جلب کنند. این عناصر هر وابستگی حزبی، غیر حزبی و سیاسی که داشته باشند، باید با کاردانی بتوانند در نقش مدیر و سازمانده هر اعتراض و آکسیون مشخص عمل کنند. لازمه این امر تشخیص درست اهداف و شعار هر آکسیون معین به اضافه ارزیابی واقع‌بینانه از توازن قواست تا بتوان در هر حرکت بیشترین نیروی مردم را به آن جذب نمود. ما نمی‌توانیم همه شعار و خواسته‌هایمان را در هر حرکتی طرح کنیم، بلکه اعتراضات می‌توانند بسته به موقعیت و توان و روحیه توده‌های درگیر شعار و خواسته‌های محلی و یا سراسری، صنفی و یا سیاسی را در دستور قرار دهد. هماهنگ نمودن و نظم بخشیدن این چینی به جنبش توده‌ای با دستورالعمل ممکن نیست، بلکه عملکرد درست اتوریته‌هایی که خود همراه این جنبشها هستند، بهترین ضامن پیشبرد نظم و سازمانیابی در این اعتراضات است. فعالین سیاسی و اتوریته‌های محلی در حالی میتوانند بر نقش خود بیافزایند که در هر

\*\*\*

**دیدار بین کومه‌له و اتحادیه انقلابیون کردستان**

ساعت ۱۱ صبح روز پنج شنبه ۲۰۰۴/۴/۸، هیئتی از رهبری اتحادیه انقلابیون کردستان (RUK) که عبارت بودند از آقایان حسین یزدانپناه دبیرکل و شه‌مال پیران، شوانه محمودی، صلاح عباس زاده اعضای کمیته مرکزی از جانب هیئت کومه‌له که عبارت بودند از رفقا عبدالله مهتدی دبیرکل کومه‌له، عمرایلخانی‌زاده عضو دفتر سیاسی، جمیله رحیمی و عبدالله عظیمی، اعضای کمیته مرکزی، نوید مهر آور عضو کمیته چیا و آرام

مدرسی مسئول دبیرخانه کومه‌له مورد استقبال قرار گرفتند. در این نشست هر دو طرف درباره لزوم تشکیل یک جبهه کردستانی، ارتباط و همکاری مابین احزاب سیاسی کردستان و پایبندی به پلورالیزم سیاسی، تأکید نمودند. تحلیل و بررسی اوضاع سیاسی ایران و همچنین وضعیت بوجود آمده در

عراق و کردستان عراق، یکی دیگر از موضوعات مورد بحث این نشست بود. هیئت مهمان بعد از صرف نهار به گرمی از جانب هیئت کومه‌له بدرقه شدند.

دبیرخانه کومه-  
له\_سازمان انقلابی  
زحمتمکشان کردستان  
ایران  
۲۰۰۴/۴/۹  
ایمیل بخش فارسی صدای کومه‌له  
RADIOKOMALA\_FARSI@YAHOO.COM

**ادامه درگذشت یکی از ...**

بالا، متأسفانه شنبه گذشته درگذشت. پیکر پاک این رفیق عزیز در روز جمعه ۲۸ فروردین در سوئد با همراهی تعداد کثیری از دوستان و آشنایان و رفقای قدیمی به خاک سپرده شد و روز شنبه نیز مراسمی به همین مناسبت برپا داشته شد. ما مراتب تسلیت خود را به همه آشنایان، دوستان و خانواده رفیق کریم نظری ابراز میداریم و در غم و اندوهشان شریک می‌باشیم. همچنین قابل ذکر است که روز چهارشنبه گذشته در شهرک سعدی سنندج، مراسم باشکوهی به مناسبت درگذشت وی برگزار گردید و مردم زیادی از دوستان و آشنایان شهر مبارز سنندج در آن شرکت نمودند و یاد این مبارز صمیمی صفوف کومه‌له را گرمی داشتند.

**پیش به سوی تشکیل یک جبهه‌ی متحد کردستانی**

تداوم جنایتگری در ایران توسط قدرت حاکم امری است هرروزه و همگان بدان اذعان دارند. سازمان عفو بین‌الملل در گزارش سالانه خود درباره مجازات اعدام در جهان، چهار کشور را نشانه گرفت که بر اساس آن جمهوری اسلامی، چین، آمریکا و ویتنام کشورهای هشتاد هستند که در سال ۲۰۰۲ میلادی بیشترین حکم اعدام در آنها اجرا شده است. همین گزارش افزوده است که سال گذشته میلادی در ایران حداقل صد و هشتاد اعدام انجام گرفته است.

توجه به پاراگراف فوق و خصوصاً بند آخر آن گویای این نکته است که در فهرست جنایت سالاران جهانی، جمهوری اسلامی

صدر نشین شده و از صد و هشتاد اعدام ذکر شده

با مشخصات کامل نامبرده شده است. یعنی سازمان عفو بین‌الملل نیز به خوبی از جنایتهای پشت پرده و پنهان در ایران مطلع است و به خود جرات نداده است که رقم ۱۰۸ را به طور قطعی اعلام نماید چرا که تامل در کارنامه اعدامهای جمهوری اسلامی در دو دهه و نیم اخیر بر هر جستجوگری عیان می‌سازد که رژیم می‌تواند به خونین کردن نوزده مردم سنج و اعدام هزاران مبارز شریف در آغازین روزهای به قدرت رسیدنش است، رژیمی که در تابستان سال ۶۷ هزاران زندانی سیاسی را که برخی از آنها حتی حکمشان نیز سپری شده بود، به جوخه‌های اعدام می‌سپارد، رژیمی که عناصرش در لوای فتوایهای مذهبی حکم اعدام صدها نفر را در خیابان و کوچه و بازارها به اجرا درآورده‌اند و رژیمی که فهارانه‌ترین سرکوبگریها را در بوته آزمایش نهاده است، خوراک ماشینی اعدامش، طی یکسال طبعاً فراتر از صد و هشتاد نفر خواهد بود.

تداوم اعدام در ایران، در حالی است که در بیشتر کشورهای جهان مجازات اعدام لغو گردیده و سازمانهای جهانی مدافع حقوق بشر مجازات اعدام را غیر انسانی، نهایت سنگدلی و مجازاتی تحقیر آمیز برمی‌شمارند و آنرا انکار صریح حق زندگی افراد دانسته‌اند. با این حال سیاست پردازان جمهوری اسلامی نه تنها گوشیشان بدهکار انتقادهای جهانی در این رابطه نیست بلکه با اعمال آن در ایران، می‌رسانند که از منظر ایشان اعدام بهترین، مکفی‌ترین و ارزنده‌ترین شیوه برخورد با مجرمین خصوصاً زندانیان سیاسی است. عالی منصبانی که در قانون گذاری اخیرشان برسر دبه انسان، معیارها را شتر و گاو و گوسفند تعریف کرده‌اند، یقیناً هنگام صدور احکام اعدام نیز در مخیله خودشان، همان گاو و گوسفند و شترها را قربانی راه حکومت فاسدشان می‌دانند. مجازاتی که تعریف

جهانی آنرا غیر انسانی، سنگدانه و تحقیر آمیز برشمردیم، هرگز برای عاملان و آمران آن در ایران دارای چنین تعریفی نیست، زیرا اگر اینگونه بود و ارزش گزار برای شهروندان در ایران معنا داشت، به این سادگیها حکم‌های ضد انسانی، از قبیل اعدام، سنگسار و... درجارت مجازاتهای قوه قضاییه رژیم درج نمی‌گردید.

جمهوری اسلامی همواره واکنشهای خود به ناهنجاریهای اجتماعی، جرائم سیاسی و مخالفان حکومتی را، یکبار برای همیشه فرمولیزه کرد و به گونه‌های مختلف آنرا به پیش برده است. هنگامی که ماشینی اعدام و آدمکشی جمهوری اسلامی تنها چند

میتوان دریافت که تعریف اعدام در ایران نه یک تعریف معمول جهانی بلکه تعریفی است که پیشتر مشروعیت و اعتبارش از سوی جانشینان خدا در ایران، بعنوان امری الهی، عرفی، شرعی و دیگر چرندیاتی از این دست، دامنه گسترده تری یافته و به همین سبب تعاریف جهانی قابلیت اثر گذاری روی آن را از دست داده است.

صد و هشتاد اعدام علنی در سال ۲۰۰۲ مفهوم این رویکرد رسمی جمهوری اسلامی را که بیست و پنج سال است آنرا در مقابل دارد به طور روشنتری توضیح می‌دهد، ابتدا اینکه، خط فکری آنها مبنی بر تداوم اعدامهای علنی و پنهان برای تبدیل جامعه ایرانی به یک

جامعه بسته، مرعوب شده، وحشت انگیز و

دهشتناک برای غیر خودیها کماکان ثابت است و دوم اینکه پایه‌های چنین مجازاتی در ایران چنان سازماندهی شده که انتقادهای جهانی و داخلی، قدرت تخریب آنرا هرگز نخواهد داشت. همین روزها در کردستان خبر اعدام ۶ نفر از پیشمرگان حزب دمکرات که سالها زندانی بوده‌اند در رسانه‌ها منعکس شد و بار دیگر تصمیم این رژیم به جنایت و کشتار را در انظار جهانیان برملا نمود.

جمهوری اسلامی از محدود حاکمیتهای توتالیتری و مستبد جهان معاصر است که نفوذ خود را در لایه‌های گوناگون اجتماعی، بر ضد ارزشهای جهانی بنا نهاده است. این رژیم ایران اسلامی را به مکانی بدل کرده است که ارزشها جای خود را به ضد ارزشها داده‌اند و ضد ارزشها جایگزین ارزشها گشته‌اند.

امروز پس از گذشت ۲۵ سال، ترفند اعدام کماکان یک وسیله مناسب برای مرعوب ساختن جامعه روبه خروش ایرانی است و آنچه که فکر مردم ما به آنها قد نمی‌داد و آنچه که نمی‌بایست به وقوع بپیوندد، متأسفانه به وقوع پیوسته و نتیجه آنرا ۲۵ سال است که مردم ایران می‌چشند. رهایی از قید و بندهای کنونی که یکی از آنها مجازات وحشیانه اعدام است در گرو سرنگونی ضد دمکراتیکترین حاکمیت معاصر یعنی جمهوری اسلامی است.

ببایید برای دیگر بار و در یک اتحاد و همبستگی دیگر، خوابهای شیرین و طلائی را که مردم ما در قیام ۵۷ آرزو می‌کردند، با سرنگونی و نابودی رژیم اسلامی محقق سازیم، ببایید برای دور شدن از هزاران حکم وحشیانه که هر روزه از سوی بی‌دادگاههای جمهوری اسلامی صادر می‌گردند با پایان دادن به فاجعه جمهوری اسلامی، بختکی را که بر مردم و خانه‌های ایران سایه افکننده به گورهای همپالگیهای جمهوری اسلامی بسپاریم.

## در اعدام نیز گوی سبقت ربوده شد

وریا محمدی



روز بعد از استقرار این رژیم منحوس به راه می‌افتد و سکان رهبری آن به جلادی همانند صادق خلخالی سپرده می‌شود، هنگامی که در برابر صدور حکمهای خیابانی و خارج از دادگاه سکوت اختیار می‌شود، هنگامی که هزاران نفر در دادگاههای چند لحظه‌ای با پاسخ به چند سوال کوتاه و مشخص، حکم تیرباران و به دار کشیدنشان صادر و اجرا می‌گردد و هنگامی که اعدام برای حفظ رژیم چنان در مغز جلادان جمهوری اسلامی به امری الهی و شرعی تعبیر می‌گردد که خلخالی یکسال قبل از مرگ در یک مصاحبه تلفنی با رادیو بی‌بی‌سی در پاسخ به سوال مصاحبه کننده که از وی پرسید آیا وجدانش به خاطر احکام اعدامی که صادر کرده عذابش می‌دهد یا نه، می‌گوید که به هیچ عنوان آزار وجدان را نچشیده تا جایی که اگر اجازه بدهید همین حالا به یک خواب راحت فرو می‌روم،

سرنگون باد رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی ایران



## بالارفتن قیمت بنزین در

### شهرهای کردستان

بنا به خبرهایی که از شهرهای کردستان به ما رسیده است، رژیم قیمت بنزین را از هر لیتر ۶۵۰ ریال به ۸۰۰ ریال افزایش داده و این افزایش قیمت باعث بروز اعتراض و ناراضی مردم گردیده است. در نتیجه گران شدن قیمت بنزین، کرایه تاکسی و دیگر اتومبیل‌های عمومی افزایش یافته و دیگر مایحتاج روزانه مردم گران شده بطوریکه فشار زیادی را بر وضعیت معیشتی مردم وارد آورده و اکثریت مردم قدرت تامین زندگی خانواده‌اشان را ندارند. رشد و افزایش تورم اقتصادی یکی از مهمترین مسایل و مشکلات اقتصاد ایران است و روز به روز نرخ اجناس و مواد مصرفی و مایحتاج روزانه مردم در حال بالا رفتن است، اما میزان دستمزد کارگران و حقوق بگیران همچنان در جای خود باقی مانده و هیچ رشدی به خود نمی‌بیند.

## تیراندازی نیروهای سرکوبگر

### رژیم به مردم منطقه مریوان

بنا به خبری که از مریوان به ما رسیده، روز یکشنبه ۱۶ فروردین ماه جاری، ماموران نیروی انتظامی ساعت ۷/۵ صبح در منطقه قلعه جی به سوی یک دستگاه مینی بوس که حامل مقداری بار بوده است شلیک می‌کنند که در اثر این تیراندازی، مینی بوس مذکور واژگون شده و چهار نفر از مسافران آن به شدت مجروح می‌گردند. تا رسیدن این خبر، وضع سلامت مجروحان این حادثه نامناسب گزارش شده است.

ما چنین اعمال جنایتکارانه‌ای را که به صورت یک امر عادی در کردستان از سوی مزدوران رژیم اسلامی به اجرا در می‌آید به شدت محکوم کرده و برای آسیب دیدگان آن آرزوی بهبودی داریم.

\*\*\*

## اخبار کردستان



### فعالیت تبلیغی در سقز

بنا به خبری که از شهر سقز به ما رسیده است، فعالین و رفقای کومه‌له در شهر سقز شب ۲۵ فروردین ماه اقدام به پخش تراکت و اعلامیه‌های کومه‌له نموده‌اند. مکانهایی که در آن کار تبلیغی صورت گرفته است عبارتند از: شهرک نیروی انتظامی، سپور آباد، شهناز، اطراف حمام حاج جلیل، محله‌های اطراف اداره قند و شکر، اطراف خیابان ملک الکلام مجدی و سه راه کریم آباد.

همچنین بنا به خبر دیگری که در همین رابطه به ما رسیده، فعالین کومه‌له در چند روستای منطقه سقز به کار تبلیغی و پخش اعلامیه و تراکتهای کومه‌له در سطح وسیعی پرداخته‌اند. فعالیت تبلیغی در این مناطق و روستاها به انجام رسیده است: آیفچی، منطقه فیض‌الله بیگی، کوچه طلا، داره توو، حاجی حسن، کانی سفید پایین و بالا و میر سید. ما به تمامی فعالین و مبارزین کومه‌له در منطقه سقزدست مرزاد می‌گوییم و برایشان آرزوی موفقیت و سربلندی داریم.

### فعالیت تبلیغی در سروآباد

بنا به خبری که از سروآباد به ما رسیده است، فعالین پرتلاش و خستگی ناپذیر کومه‌له در این منطقه دست به کار تبلیغی وسیعی زده‌اند و تراکت و اعلامیه‌های کومه‌له را در سروآباد بالا و پایین در ابعاد وسیعی توزیع کرده‌اند. بنا به همین خبر تراکت، اعلامیه و نشریات کومه‌له در تمامی کوچه و محلات، مدارس و اداره‌های سروآباد قابل مشاهده بوده و دیوارهای این شهر با شعارهای کومه‌له تزئین گردیده بود. ما ضمن قدردانی از رفقایمان در سروآباد آرزوی پیروزی و سربلندی را برای همگی این رفقا داریم.

### بی کفایتی شهرداری بانه

بنا به خبری که از شهر بانه به دست ما رسیده است، مردم از عدم بهداشت و عدم توجه به محیط زیست در شهر بانه به تنگ آمده‌اند. اداره شهرداری، عوارض و هزینه معینی در قبال جمع آوری زباله‌ها و نظافت محیط شهری از مردم دریافت می‌کند، اما ماشینهای جمع آوری زباله بسیار دیر زباله‌ها را از محلات جمع آوری می‌کنند به طوریکه موجب گندیدگی و تعفن در محلات می‌گردد.

گذشته از این مسائل، زباله‌های شهر بانه را به منطقه هیجده دره می‌برند، در نتیجه منطقه هیجده دره به محل تجمع زباله‌ها و گندیدگی تبدیل شده و از دور بوی تعفن آن به مشام میرسد. این امر بر محیط زیست در شهر بانه تاثیر منفی نهاده و موجبات ناراضی و اعتراض مردم را فراهم نموده است. باوجود گرفتن این همه مالیات و عوارض، این نوع بی توجهی به بهداشت و محیط زیست مردم در شهرها غیرقابل قبول است و دفاع از محیط زیست و بهداشت شهری باید به یکی از خواسته‌های جدی مردم تبدیل شود.



## فشار نیروهای سرکوبگر رژیم

### بر مردم منطقه مریوان

بنا به خبری که از مریوان به ما رسیده است، بدنال اعتراضات گسترده مردم شهرهای کردستان و حمایت از مردم کردستان عراق، رژیم فاسد جمهوری اسلامی شمار زیادی از مزدوران خود را به این شهر گسیل داشته و شهر مریوان مورد ناخت و تاز این مزدوران قرار گرفته است. طبق همین خبر رژیم در شهر مریوان با وضع تدابیر شدید امنیتی کنترل روستاهای مرزی هوشیاری، سوتمان و بناوه سوته را تحویل نیروهای مزدور و به خون تشنه سپاه پاسداران داده و این مزدوران در این مناطق به شدت در حال آزار و اذیت و ایجاد وحشت برای مردم منطقه هستند. همچنین چند روز پیش در درون شهر نیروهای انتظامی رژیم اقدام به بازداشت و آزار و اذیت عده‌ای از مردم مریوان کرده‌اند. نیروهای مزدور رژیم شماری از مغازه‌داران را به بهانه فروختن جاسویچی‌هایی که بر روی آنها پرچم کردستان نصب شده بود گرفته و کتک کاری کرده‌اند.

## تیراندازی نیروهای رژیم به

### مردم زحمتکش سردشت

بنا به خبری که از شهر سردشت به ما رسیده است، روز دوشنبه هفدهم فروردین ماه جاری، نیروهای انتظامی رژیم در مسیر روستای "سرکپران" راه را بریک ماشین باری که حامل بار شکر بوده گرفته و به طرف ماشین مذکور تیراندازی می‌کنند. در جریان تیراندازی مزدوران رژیم، راننده ماشین که اسمش "رحیم" است به شدت مجروح شده است. تیراندازی به ساکنین زحمتکش شهر و روستاهای مرزی و کشتار و زخمی کردن بیرحمانه آنان دیگر به سیاست رسمی سرکوبگران رژیم اسلامی تبدیل شده است.

## قطع دست یک زندانی در اهواز و صدور حکم اعدام یک جوان در تهران

رژیم اسلامی دست یک زندانی را در اهواز قطع کرد. این اقدام ضد انسانی روز شنبه ۲۲ فروردین ماه در یکی از زندانهای اهواز صورت گرفت و دست قربانی از ناحیه بازو قطع گردید. اتهام این فرد سرقت عنوان شده بود. دستگاه قضائی جمهوری اسلامی همچنین حکم اعدام یک جوان ۲۴ ساله را در تهران صادر کرد. اتهام وی که موسی نام دارد قتل عنوان شده است. به نوشته روزنامه جوان، این حکم مورد تأیید دیوان عالی رژیم اسلامی قرار گرفته و موسی بزودی حلق آویز خواهد شد.

### دستمزد پایین و وضعیت

#### وخیم کارگران

به گزارش خبرگزاریها، افزایش حقوق در سال جاری بسیار ناچیز است و تأثیر چندانی بر بهبود وضعیت معیشتی خانواده کارگران نخواهد داشت. حداقل دستمزد یک کارگر برای تأمین یک زندگی ساده و بخور و نمیر باید ۲۰۰ هزار تومان باشد. امروزه دو شغله و حتی چند شغله بودن برای فرهنگیان، کارمندان و کارگران به یک امر عادی و روزمره تبدیل شده است.

در حقیقت میزان دستمزد شمار زیادی از کارگران ایران بسیار پایین‌تر از سطحی است که در اینجا به آن اشاره شده و ارگانهای ذیربط رژیم مستقیماً در فقر زدگی خانواده‌های کارگران نقش ایفا می‌کنند. وجود فاصله فاحش طبقاتی و عوارض مهلک و زیان بار آن بر جامعه ایران در سالهای اخیر مستقیماً نتیجه اعمال سیاستهای ضد کارگری رژیم آخوندی حاکم است.

## اخبار ایران

### خودکشی یک کارگر در میاندوآب

به گزارش خبرگزاریها، در هفته گذشته، یکی از کارکنان کارخانه قند میاندوآب که نسبت به بازخرید شدن خود اعتراض داشت، وارد اتاق رئیس کارخانه شد و با یک قبضه اسلحه کمربند به سوی وی شلیک کرد. این گزارش حاکیست: در جریان این تیراندازی، علاوه بر رئیس کارخانه که به طور سطحی جراحت برداشت، مسؤول کارگزینی کارخانه هم که در محل حضور داشت، از ناحیه سینه و کتف به شدت مجروح شد.

ضارب - که فرج‌پور نام داشت - پس از این اقدام به محوطه باز کارخانه رفته و پس از آگاه کردن دیگر کارکنان از جریان پیش آمده، در مقابل چشم همگان تیری به سر خود شلیک کرد و در دم جان سپرد. مصدومان حادثه نیز به بیمارستان‌های میاندوآب و ارومیه اعزام شدند. کارخانه قند میاندوآب ارومیه، یکی از مهم‌ترین کارخانه‌های قند کشور است که توسط سازمان دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح اداره می‌شود. گفتنی است، سال گذشته نیز کارکنان این کارخانه در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان به مدت دو هفته اعتصاب کرده بودند.

### شورش و تخریب در خیابان‌های اصفهان

به گزارش خبرگزاریها در روزهای گذشته گروهی از سپرده‌گذاران صندوق های قرض الحسنه اصفهان در خیابان جی این شهر دست به تحصن زدند و پس از آنکه کسی حاضر نشد به شکایت آنها رسیدگی کند، خیابان های اطراف را بسته و پس از آتش زدن لاستیک اتومبیل، شکستن شیشه بانک ها، به اماکن عمومی حمله ور شدند و سپس بطرف استانداری این شهر به حرکت در آمدند. مردم ابتدا از ساعت ۱۰ صبح یکشنبه ۲۲ فروردین دست به تجمع زدند و سپس شورش تا چند ساعت ادامه یافت. تعدادی از تظاهر کنندگان توسط نیروی انتظامی دستگیر شدند. صندوق قرض الحسنه ای که پول مردم را به جیب زده، سال گذشته با تبلیغات گسترده تلویزیونی توانست اعتماد مردم را جلب کرده و عده بسیاری از شهروندان را برای دریافت وام به سوی خود جلب کند تا سپرده در اختیار این صندوق بگذارند. بنا به گزارش روزنامه شرق و از قول مسئولان نیروی انتظامی اصفهان، در جریان شورش که یکشنبه در شهر اصفهان بوقوع پیوست ۲۵ تن شناسائی و دستگیر شده‌اند که اکثر آنها هیچگونه سپرده ای در صندوق قرض الحسنه نداشته‌اند و این نشان می‌دهد که مردم ناراضی در هر نقطه ایران، از هر فرصت و حادثه‌ای برای بروز خشم و ناراضی خود استفاده می‌کنند. این ناراضی عمومی که تاکنون بصورت شرکت در انتخابات بروز می‌کرد، اکنون اشکال خشن و تخریبی به خود گرفته است.

### کشته شدن ۲۹ نفر در یک تصادف

بنا به اخبار منتشره توسط خبرگزاریهای داخلی، روز دوشنبه هفدهم فروردین ماه جاری در جریان تصادف دو اتومبیل در جاده گناباد- تربت، ۲۹ نفر جان خود را از دست داده و ۲۸ نفر نیز به شدت مجروح شده‌اند که وضعیت بسیاری از مجروحین نیز وخیم اعلام شده است. این حادثه بر اثر برخورد یکدستگاه کامیون تریلر با یک دستگاه اتوبوس مسافر بری روی داده است.

### ۴۲ درصد از کارگران ایران

#### قراردادی هستند

به گزارش خبرگزاریها، نماینده تهران در مجلس ششم گفته است که مساله قراردادهای موقت اکنون مهم‌ترین دغدغه کارگران است. «علی‌رضا محبوب»، نماینده تهران و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، در نطق پیش از دستور خود گفت: آنچه در روزها و هفته‌های پایان کار مجلس قابل تذکر است، طرح‌ها و لوایح مهم کارگری است که برخی از آن‌ها بیش از یک سال و نیم است که تقدیم مجلس شده‌اند. وی افزود: لایحه مربوط به جانبازان و معلولان کارگر، اصلاح قانون شوراهای اسلامی کار، تفسیر مصوبه ۱۳۸۰ مجلس پنجم در باب نحوه احتساب سوابق کارمندان دولت که به بخش کارگری منتقل شده‌اند و احتساب دو سال سابقه سربازی کارگران، از جمله این طرح‌ها است و حداقل انتظار کارگران این است که در روزهای پایان کار مجلس ششم، این طرح‌ها و لوایح به تصویب برسند. طی سال گذشته، ۶ درصد به جمعیت کارگران قراردادی افزوده شده است و هم‌اکنون، ۴۲ درصد از کارگران کشور را کارگران قراردادی تشکیل می‌دهند.

### ۱۳ درصد از زنان عهده دار

#### مشاغل در ایران هستند

بر اساس اخبار منتشره و همچنین بنا بر یک نظر سنجی عمومی در خصوص مسایل مختلف بویژه مسئله زنان، آشکار شده که زنان فقط ۱۳ درصد از مشاغل را بر عهده دارند. گفتنی است مشاغل و حرفه‌های دیگری هستند که زنان حق انتخاب شدن و یا کار کردن در آنها را ندارند. این واقعیت بیانگر وجود تبعیض جنسی غیر قابل باور در سیستم حکومت آخوندی و ضد بشری جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

# پیش به سوی یک جبهه‌ی متحد دمکراسی برای ایران



■ در هفته‌ای که گذشت و به دنبال آنکه جمهوری اسلامی در سال گذشته با وزیران امور خارجه سه کشور آلمان، فرانسه و بریتانیا در زمینه برنامه‌های هسته‌ای به توافق دست یافته بود، اما ظواهر امر نافی چنین ادعاهای بی‌پشتوانه‌ای بود و هرگز رژیم سیاسی ایران به موارد مورد توافق پایبند نبود، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی از کشورهای اروپایی خواست در سازمان بین‌المللی انرژی اتمی از موضع ایران پشتیبانی کنند. کمال خرازی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در تماس تلفنی با همتایان فرانسوی، بریتانیایی و آلمانی از آنان خواست در نشست آینده هیئت مدیره سازمان بین‌المللی انرژی اتمی در وین که در ماه ژوئن تشکیل می‌شود، از ایران حمایت کنند. چنین درخواستی اینگونه می‌نماید که جمهوری اسلامی از یک سوباعلم به غیر متعارف بودن فعالیتهای هسته‌ایش که هر روزه رقم جدیدی بر آن می‌افزاید، قصد پا پس کشیدن از آنها را ندارد و از سوی دیگر نیز تمرکز اتحادیه اروپا بر خود لیس کرده و قادر نیست که از آن چشم پوشی کند. به عبارت دیگر مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی در صددند به هر نحو ممکن که شده هم با اتحادیه اروپا بسازند و هم برنامه‌های اتمی شان را به پیش ببرند که نه سیخ بسوزد نه کباب.

در هفته گذشته باز هم رویدادهای عراق و موضوع دخالت جمهوری اسلامی در آنها، موردی بود که از جمله اخبار مهم محسوب می‌شد. محمد خاتمی در دیدار روز شنبه خود با شماری از اعضای شورای حکومتی عراق ضمن رد هرگونه مداخله جمهوری اسلامی در نا آرامیهای اخیر در عراق گفت که ایران با وجود مخالفت با اشغال عراق دخالتی در امور داخلی آن کشور ندارد. این سخنان یک روز پس از آن ادا شد که هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و سردار ویرانگری در خطبه‌های نماز جمعه تهران از پیروان مقتدی صدر دفاع کرد. خاتمی به اعضای شورای حکومتی عراق گفت: مشکلاتی که آمریکا در عراق با آن روبرو شده، نه لزومی شیعیان و نه از سوی ایران، بلکه از

ناحیه نیروهایی است که با شیعه و ایران نیز رابطه خوبی ندارند. سخنان متفاوت و متضاد سران عالیرتبه رژیم اسلامی، نمائی از دوروی این رژیم و دوروی سکه بودن سیاست در جمهوری

دلیل انتقاد آمریکا از جمهوری اسلامی در مورد حقوق بشر، اما در مجموع رژیم اسلامی، حاکمیتی است که همواره در عوض ارائه پاسخهای روشن به چنین اتهاماتی و یا در عوض گام برداشتن در راه



رفع چنین مواردی، کوشیده است که انتقاد را با انتقاد پاسخ گوید. در هیچکدام از واکنشهای مقامات جمهوری اسلامی تا به حال، موردی را نمی‌توان یافت که آنها به عنوان پیشرفت در زمینه بهبود وضع بفرنج حقوق بشر در ایران به جامعه جهانی ارائه کنند.

هفته گذشته نیز به روال دیگر هفته‌های معمول در جمهوری اسلامی، بازداشت و احضار و دادگاهی فعالان سیاسی - مطبوعاتی، دانشجویان و ... ادامه یافت. احضار پنج دانشجوی دانشگاه زنجان به دادگاه، بر تلویز احضار دانشجویان صحه گذاشت. دبیر انجمن اسلامی دانشگاه زنجان گفته است که احضار دانشجویان در ارتباط با رویدادهای آذرماه ۸۲ در زنجان صورت گرفته است و نوع اتهام دانشجویان در احضاریه ذکر نشده بود.

هفته گذشته مضحکه عدالت که همانا دستگاه قضایی رژیم اسلامی است، به حرکت دیگری در تکمیل پروژه‌های ضد ارزشی دست زد. رئیس دادگستری استان تهران لوح تقدیر رئیس قوه قضاییه را به همراه چند سکه بهار آزادی به سعید مرتضوی دادستان عمومی انقلاب تهران به عنوان مدیر نمونه کشور اهدا کرد. در همین جلسه که جلسه شورای معاونان دادگستری کل استان تهران بود از بیست و چهار نفر از قضات و سه نفر از کارمندان به اصطلاح نمونه دستگاه قضایی با لوح تقدیر و چند سکه بهار آزادی تقدیر و تشکر شد. انتخاب سعید مرتضوی هر چند که بحث ویژه‌ای را طلب می‌کند اما به همین نکته کوتاه بسنده می‌کنیم که چنین انتخابی تأیید اقدامات قبلی وی از یک سو و راه خوش کردن برای تداوم آن از سوی

دیگر بود. انتخاب به اصطلاح مدیر نمونه کشور در واقع مهر تأییدی بر انتخاب ضد ارزشها در جمهوری اسلامی بود.

همچنین در هفته گذشته فاطمه حقیقت جو که ممنوع الخروج شده است در مصاحبه با رادیو دولتی آلمان گفته است که وی را به دلیل ایراد یکی از سخنرانیهایش در مجلس محکوم و ممنوع الخروج کرده‌اند. او که از فرودگاه مهرآباد به خانه‌اش برگردانده شد تا از سفر به انگلستان باز بماند، در همین مصاحبه گفت: اصل حکم محکومیت من به عنوان یک نماینده مجلس غیر قانونی و خلاف قانون اساسی است. حقیقت جو در رابطه با دلیل احضارهای اخیر نمایندگان مجلس به دادگاه گفت که بیشترین انگیزه این حرکات قوه قضاییه، منفعل کردن اصلاح طلبان و بازداشت آنها برای حضور در کارزار انتخابات ریاست جمهوری است. حقیقت جو همچنین گفت: جناح راست که مجلس فرمایشی را تشکیل داده کوشش می‌کند تا یکسال آینده دولت را هم قبضه کند و یک حکومت به زعم خود یکپارچه تشکیل داده و فضای کشور را به کلی ببندد.

و سرانجام اینکه به دنبال فتوی رهبر رژیم اسلامی مبنی بر مخالفت با اعتصابهای کارگری، گفته می‌شود از هم اکنون فشار سنگینی از سوی جناح سرکوبگر و ضد آزادی حاکمیت به ارگانهای صادر کننده مجوز راهپیمایی برای روز جهانی کارگر وارد آمده است تا برای روز یازدهم اردیبهشت ماه مجوز راهپیمایی و تجمع برای کارگران صادر نشود. علی تاجرنیا نماینده مشهد در این مورد گفته است که طبق نص صریح قانون اساسی هرگونه تجمعی در صورتی که در امنیت کشور خللی وارد نسازد آزاد و جزو حقوق سندیکاهاست، به همین جهت صدور مجوز از سوی دولت نمی‌تواند لطف و محبت به کارگران باشد. عدم صدور مجوز برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر با توجه به ادعای فضای باز سیاسی و مدنی در کشور ناشی از تحمل ناپذیری بخشی از مجموعه نظام است. وی افزود این تحمل ناپذیری نظام را متوجه برخی انتقادهایی می‌سازد که به نفع نظام نیست.





## "ما و مارکسیسم"، عنوانی تهی از محتوا

بخش اول

هوشیار محمودی

خود را نقد نوشته مذکور قرل داده‌ام، لذا مجبور به ذکر نوشته‌های آقای محمدی خواهم بود. همچنانکه عرض شد عنوان مقاله، "ما و مارکسیسم" است. لکن بایک نگاه گذرا و اجمالی به سادگی میتوان دریافت که هدف مقاله نه "مارکسیسم" و نه "ما"، بلکه مخدوش نمودن چهره جنبش کردستان و وارونه نمودن واقعیات دو دهه و نیم اخیر به نفع رژیم اسلامی و ایجاد تردید در مورد هر نوع گرایش چپ است. آقای جمال محمدی در بررسی خود دو نکته را مورد اشاره قرار می‌دهند و مینویسد: ۱- جنبشها، احزاب و متفکران مارکسیست در دو دهه اخیر حیات اجتماعی جامعه کردستان تاچه اندزه در ایجاد جامعه آزاد، نفی سلطه، تحقق آزادیهای مدنی و تئور افکار عمومی نقش داشته‌اند؟ ۲- دستگاه فکری- نظری اندیشمندان مارکسیست و احزاب چپها تا چه اندازه با تحولات فکری در حوزه‌های مختلف علم همگام بوده‌اند؟ و سپس به



بررسی سوال دوم می‌پردازد و ادعا میکند که چپ و مارکسیستها عامل نقض آزادیهای سیاسی و عدم رشد گفتمان سیاسی هستند و در بخشی دیگر از نوشته‌اش سبب این روش "چپها" را "اعتقاد به کسب قدرت سیاسی در طرفه‌العینی" ارزیابی میکند. حال اگر با بیانات فوق به متن بحث و به خصلیتی که آقای محمدی به احزاب چپ نسبت داده‌اند بازگردیم، اولاً هیچ مارکسیست و چپی هرگز در خواب نیز تصور نکرده است که با کسب قدرت سیاسی در "طرفه‌العینی"

کلیه مسائل احتمالی و... را حل و فصل خواهد نمود. در ثانی مبارزه برای کسب قدرت سیاسی فلسفه هر حزب و گرایش سیاسی است و احزاب کردستان، چه چپ و غیر چپ در شرایطی گرایش به کسب قدرت سیاسی داشتند که هم فضای کل کشور سیاسی بود و در نتیجه کاملاً طبیعی است که کلیه احزاب کسب قدرت سیاسی را هدف خود قرار دهند و هم اینکه کسب قدرت سیاسی نه از مغز اندیشمندان چپ و نه در آن ایام ابداع گشت بلکه همین مسئله و خود آگاهی خلق کرد در این زمینه سابقه تاریخی و طولانی دارد که از زمان جمهوری مهاباد این ایده به صدر خواستهای خلق کردستان ایران صعود نموده است. ثالثاً خواست کسب قدرت سیاسی اساساً از دیگر خواستهای احتمالی و فرهنگی جدا نبوده و اینگونه نمونه‌ها بسیار فراوان است و خود را اگر در دسر ندهیم و به تاریخ بازنگردیم و به آخرین و تازه ترین آن اشاره نمایم، همین پشتیبانی از فرالیسم عراق که اخیراً از جانب کردستان ایران انجام پذیرفت، نمونه بارز و گویای این تئوریت، به عبارتی دیگر رژیمی که چشم دیدن پشتیبانی و نه طرح کسب قدرت یک بخش کردستان را ندارد، مسلماً خود عامل موثر بر رشد خود آگاهی سیاسی ملت تحت سلطه است و رشد این خواست را سرعت بیشتری می‌بخشد. به علاوه مگر رژیم اسلامی ایران طی بیست و اندی سال حاکمیت در کردستان تا چه حد به خواستهای مردم توجه نموده؟ مگر هرگونه دگر اندیشی و اندیشه سوای اسلام را با افتخار تکفیر نموده و قتل و عام شهر و نیانداخته؟ مگر شهر و روستاهای کردستان توپ باران نشده و ویران نگردیدند؟ بازگشتی به تاریخ ایران در طی ۲۵ سال گذشته، قاطعانه صحت و سقم عرایض



درهم ادغام شده‌اند. رفسنجانی و دیگر آخوندهای ولایت فقیه در عین حال هم قدرت سیاسی و هم اقتصادی را قبضه نموده‌اند و صد در صد پشتیبان بورژوازی و مرتجعین ایران و کردستان نیز هستند و هرگونه مقابله با بورژوازی در عین حال مبارزه با هیئت حاکمه است. هر قانونی علیه بورژوازی در عین حال قانونی علیه رفسنجانی و امثال اوست و همزمان براندازی قدرت سیاسی از جانب مارکسیستها، براندازی ارتجاع و بزرگ بورژواها و قدرت اقتصادی‌شان نیز هست.

عجین شدن این دو قدرت خود زاده پروسه تاریخی طولانی است و پیش از این نظام نیز چنین بوه و باید اینها نیز اضافه نمود که چپها و کومه‌له در کردستان به حق صرفاً وظیفه خود را مبارزه علیه بورژوازی قرار نداده‌اند بلکه در عین حال به مبارزه علیه مرد سالاری و تبعیض جنسی، مبارزه جهت کسب حقوق ملی و نیل به دمکراسی، آزادی زندانیان سیاسی و دفاع از حقوق کودکان و مبارزه برای سکولاریزم و مبارزه برای آزادیهای فردی و... پرداخته‌اند. نمونه‌ها در این زمینه بسیارند و من خواننده عزیز را به ادبیات دوران مورد نظر رجعت میدهم. کسی که جرأت ندارد دفاع کومه‌له از آزادیهای بی قید و شرط سیاسی را ببیند و هزاران شهید کومه‌له و چهاراداره رهایی مردم کردستان از ستم ملی دور میزند و چشم خود را به عمد بر فضای سیاسی آزادی که در دوران حضور احزاب سیاسی کردستان در شهرها حاکم بود، میندود و لام تا کاف در مورد جنایات رژیم اسلامی در کردستان و ایران و نقض هر نوع حقوق انسانی از جانب این رژیم لالمونی گرفته است، چگونه میتواند دم از آزادی و گفتمان آزاد بزند؟ کی میتواند خود را به عنوان مدافع حقوق مردم کردستان قالب کند؟ انگار آقای محمدی واپسگرایان و احزاب سستی و ارتجاعی را سمبل خود قرل داده‌اند. دیگر بر همگان عیان است که در سه دهه اخیر جنبش کردستان، چپها و کومه‌له پیش قراول دفاع از آزادی و به صحنه آوردن جدی زنان در کلیه زمینه‌ها بوده. این دیگر از بدیهیات کردستان است و کومه‌له از این جنبه نیز بهای گران پرداخته است. به راستی اینگونه قلم به دستان چه خدمت بزرگی به رژیم اسلامی عرضه می‌کنند یا شاید بهتر است بگوییم این جنابان چه ساده لوحانه به سوراخ رسوایی خزیده‌اند، آنچه را که کودکان کردستان جزو بدیهیات فرض دارند، ایشان انکار می‌کنند. آیا همین مقاله کافی نیست که رسالت واقعی "روزه‌هلات" را نیز برملا سازد؟

"ما و مارکسیسم" عنوان مقاله ایست که در هفته نامه "روزه‌هلات" به قلم آقای جمال محمدی به نگارش در آمده است. نویسنده بخش عمده مقاله را به معرفی کوتاه مکاتب مختلف "مارکسیستی" اختصاص داده و در بخش آخر نوشته‌اش به زعم خود به بررسی نوع حضور و کارکردهای "ایدئولوژی مارکسیسم" بر گفتمان روشنفکری و واقعیت سیاسی و اجتماعی کردستان پرداخته و عوامل اصلی در راه "عدم تحقق آزادیهای فردی و استقلال حوزه‌های خصوصی و عمومی" در کردستان ایران را کشف نموده و به زعم خود در رهایی کردستان از چنگ "طالبان" نقشی ایفا نموده‌اند. برآستی یا باید در خواب سنگین زمستانی یا خلم رژیم اسلامی بود که اینگونه قلم فرسایي نمود. قبل از هر چیز باید گفت آوردن موضوع بسیار بغرنجی چون مارکسیسم که تاثیرات عظیم اجتماعی بر سطح جهان گذاشته، علمی که حجم بسیار زیادی از نوشته‌های یک سده پیش را به خود اختصاص داده و نقد و تکامل گسترده‌ای بر آن آمده است را در چنین مقاله فشرده‌ای گنجاندن مسلماً از جانب هرکسی ناتمام از آب در خواهد آمد. چه بسا فشردن آن بر تقلید نوشته و دیر فهم نمودن آن نیز خواهد افزود. آنچه قابل تأمل است اینست که نویسنده از نگارش مقاله صرفاً هدف تیره نمودن رژیم اسلامی و تخطئه و تکفیر جنبش کردستان، بالاخص وجه سیاسی مبارزه آن با رژیم اسلامی را مورد نظر داشته است. درست به همین دلیل است که چنین مقاله‌ای اجازه نشر در رژیمی را می‌یابد که هر روز سلطه بدست گردن نقد "خودیهای منجی اسلام" را نیز میزند. رژیمی که هر روز تمام روزنامه‌های "مخوهران و بچه‌های انقلاب" را ترو مار می‌کند چگونه اجاز میدهد که یک منتقد "کرد" به نصیحت مارکسیستهای اپوزیسیون بپردازد، اگر خدمت اینچنین بزرگی نکرده باشد؟! از آنجا که وظیفه مقاله

## خاتمی،

## مظهر شکست و رسوایی

سالار پاشایی

اگر صحنه سیاسی ایران در سالهای اخیر را با تمام تغییر و تحولات رفته بر آن بررسی کنیم، هرگز چهره‌ای مفلوک و بازنده مثل محمد خاتمی، رئیس جمهور وقت را نخواهیم یافت که تا این حد بدین و نام بردنش، تداعی کننده شکست و رسوایی در تمامی کشاکشهای سیاسی درون سیستم آخوندی و خارج از حاکمیت باشد. خاتمی در سال ۷۶ با سردادن شعارهایی به ظاهر اصلاح طلبانه همچون جامعه مدنی، گفتگوی تمدنها، مردم سالاری دینی، دفاع از جوانان و زنان به میدان رقابت بر سر قدرت سیاسی، گام نهاد. ظاهر شدن چهره به اصطلاح فرمیسیت و اهل دیالوگی همچون خاتمی در جامعه بحران زده ایران به سرعت وی را در مسیری قرار داد که در دوم خرداد همان سال رسماً سکاندار و رهبر جریان موسوم به اصلاحات در دستگاه مذهبی حاکم گردد.

تئوری‌هایی که خاتمی و کسانی همچون سعید حجاریان به تزریق آن در صحنه سیاسی جامعه ایران پرداختند به خط سیاسی افرادی تبدیل گردید که خود را در جبهه موسوم به اصلاح طلبی سازمان دادند. کسانی که اکثریت آنها از بنیان گذاران اطلاعات و سپاه پاسداران بعد از انقلاب اسلامی بودند و در شکل گیری ماشین توحش و سرکوب رژیم مذهبی حاکم نقش‌های مهمی را ایفا نمودند. تلاش‌های این تئوریسینها و پراتیسینهای با سابقه، مسبب ایجاد جریانی وسیع به رهبری جناب خاتمی در سطح جامعه گردید که خواستار نوعی رفرم درون سیستمی شد و پتانسیلهایی را در میان قلم به دستان و بسیلری از دانش آموختگان جامعه آزاد نمود. جامعه مطبوعات و دانشجویان در راس دیگر افشار جامعه، فعالیت

خود را در چهارچوب این حرکت یافتند و گام‌هایی نیز روبه جلو برداشته شد. اما در هاله ابهام گذاشتن، انحراف و توهم پراکنیهای عامدانه و نا متمرکز این جریان در برابر رویدادهای سیاسی و اجتماعی و همچنین خواستهای مردم، کم کم ماهیت راستین آنان و شخص خاتمی را در نزد افشار متوهم شده کشور عیان ساخت. تمامی رویدادهای سپری شده در این ۶ سال و پای نهادن به مرحله کنونی به خوبی نشانگر کارنامه خاتمی و سرانجام همه تئوریکاریهایش است. سیل انتقادات صاحب منصبان دولتی در روزهای گذشته که خاتمی و عملکردهایش را نشانه رفته، نگارنده این سطور را بر آن داشت که در نگاهی گذرا موقعیت کنونی خاتمی، این چهره بازنده در رژیم ایران در چند سال گذشته را به نقد بکشد.

از بد فرجامی جناب رئیس جمهور آن مقدار اعتبار سیاسی باقی مانده نزد یارانش از جانب هم رکابان نزدیک خود هم در دولت زیر سوال رفته و بطور افتضاحی موقعیت وی و مواضع سخنانش را به چالش طلبیده‌اند. سفسطه-گریها، تئوریهای توخالی و شعارهای پرطمطراق جناب خاتمی، دیگر نزد هم‌رکابانش هم پشیزی ارزش نداشته و تاریخ مصرفش نیز گذشته است. کسی که در طول شش سال گذشته سفیهانه تلاش نمود که سردمدار رفرم طلبی در جامعه شود و خود را مدافع خواستهای افشار مختلف جامعه تلقی نماید، امروز به وضوح عیان گشته که حتی در دفاع از یاران نزدیک و همکار خویش هم عاجز و ناتوان است و به درازای این چند سال خود تماماً در خدمت فاشیستهای اسلامی حاکم بر ایران بوده و از هرگونه خوش

خدمتی به آنان دریغ نورزیده است. خاتمی از ۶ سال پیش ندای منجیگری سرداد که بحرانهای مختلف درون جامعه ایران را تیمار کند. اما آنچه اکنون بعد از سپری شدن این سالها در جامعه کنونی ایران مشاهده میشود، سربرآوردن بحرانهای همه جانبه و اسفناکی است که زندگی افشار مختلف مردم را به سیاهی و تباهی کشانده است. به لحاظ سیاسی کماکان خفقان و استبداد بال‌سیاه خود را بر جامعه ایران گسترانده و هر صدای مخالفی در گلو خفه خواهد شد، هزاران نفر به جرم رأی اندیشی و دگر اندیشی و حتی از خود اصلاح طلبان حکومتی هم به جرم انتقاد از حاکمیت در تاریخانه-های وحشت رژیم اسلامی به سر می‌برند و تحت آزار و شکنجه قرار دارند. مطبوعات و جامعه روشنفکری بیشترین ضربه را متحمل شده و در حق دانشجویان و اهل قلمها چه جنایت‌هایی که روا نداشته‌اند و ارتکاب قتل‌های زنجیره‌ای در اوج ددمنشی، از مهرهای ننگین و برجای مانده بر پیشانی دولت خاتمی است.

حقوق ملی خلق‌های تحت ستم ایران بیشتر از هر زمانی مورد تجاوز قرار گرفته و زبان سرکوب در هر شرایطی به کار رفته است. به لحاظ اجتماعی جامعه ایران در اثر اعمال سیاستهای اسلامی به منجلابی گرفتار آمده که رها شدن

عدم امنیت و وجود تهدیدات در زندگی خود می‌نماید و انزوا و رسوایی بین‌المللی سرانجام تمامی سیاستگذارهای خرجی در سالهای اخیر شده است. خاتمی به خلق چنین وضعیتی دهشتناک کمک نموده که در تاریخ معاصر ایران بی سابقه بوده و جامعه را به قهقرا و پرتگاهی کشانده که به تصویر کشیدن زوایای مختلف آن دشوار است.

واقعیت این است که خاتمی از همان بدو برسر کار آمدن با آگاهی به تغییر و تحولات عمیق و در شرف وقوع جامعه ایرانی و تشخیص روانشناسی مردم و در نهایت فریبکاری، در راستای حفظ نظام اسلامی و ولایت فقیه و پا برجای بودن احکام شریعت اسلام ناب محمدی بر زندگی مردم در میدان سیاست گام نهاد. ترس از رسیدن انفجار اجتماعی و سرنگونی نظام آخوندی، وی را واداشت که در جهت ابقای هرچه بیشتر استبداد حاکم البته با قرائتی مزورانه‌تر از شیوه حاکمیت دست به کار شود و مضحکانه احساسات و خواستهای افشار مختلف جامعه را بازیچه دست خود قرار دهد. عملکردهای وقیحانه چند سال گذشته وی ماهیت واقعی او را افشا نموده است. هر چند در طول این سالها از جانب برخی افول تلاش‌های بسیاری به عمل آمده که خاتمی را در ردیف مصدق و امیرکبیر ارزیابی نمایند اما وی در



نهایت ناپاوری خود و هم‌کیشانان به تئوریسین شکست و مترسک اصلاحات در ایران و به بخشی از تاریخ این سرزمین بدل گردید که بدون شک خواندن صفحات آن برای آیندگان تمسخر برانگیز خواهد بود.

\*\*\*

ژنده بان سوسپالیزم